



گفت و گو با

فریده خلعتبری مدیر مسوول انتشارات شبويز و ناشر
برگزیده سال ۷۹ در رشته کودک و نوجوان

مهمترین عامل پایین بودن سطح کتابخوانی، نداشتن انگیزه است نه قیمت کتاب

خانم خلعت ببری! آیا از میزان تقاضای کتاب راضی هستید؟

○ بله. تعداد کسانی که به دو غرفه‌ای که در نمایشگاه داریم، مراجعه می‌کنند، بسیار خوب است.

در بیرون از نمایشگاه چطور؟

○ روزهای غیر نمایشگاه هم همینطور. ببینید، ما مشتریان خاص خودمان را داریم و کسانی که واقعاً کتابخوان هستند از سال‌ها پیش مشتری «شباویز» بودند. همیشه هم کتاب‌هایی که منتشر می‌کنیم، مشتری‌های خاص خودمان را داریم. بنابراین می‌توان گفت که هیچ وقت با مشکل نداشتن مشتری روبرو نبوده‌ایم.

حُب، این از وضعیت انتشارات خودتان، آیا به نظر شما میزان کتابخوانی در ایران در سطح کلان راضی کننده است؟

○ اصلاً، برای این که می‌بینیم تیراژ کتاب‌ها فقط به عدد خاصی محدود می‌شود و مشتری به اصطلاح متفاوت نداریم. بنابراین همه کس کتابخوان نیستند. آن‌طور که می‌دانم بقیه ناشران در مضیقه هستند. واقعاً خبر دارم به هیچ وجه کتابخوانی در سطحی که حتی بشود تحملش کرد نیست چه برسد به اینکه مقبول یا مطلوب باشد.

فکر می‌کنید علت اصلی چه می‌تواند باشد؟

○ فکر می‌کنم مهم‌ترین عاملی که وجود دارد، نداشتن انگیزه است، در واقع برای مردم انگیزه‌ای برای کتابخوانی باقی نمانده است. هستند کسانی که مسایلی چون بالا بودن قیمت کتاب یا چند شغله بودن مردم را مطرح می‌کنند، ولی به نظر من این مسأله زیاد صحت ندارد برای این که قیمت کتاب از بسیاری از مایحتاجی که مردم تهیه می‌کنند، به مراتب ارزان‌تر است. ولی آن چیزی که مهم است اینکه هیچ تفاوتی برای یک فرد نمی‌کند که ۱۰ کتاب خوانده باشد، ۱۰۰ کتاب خوانده باشد یا در عمرش حتی یک کتاب هم نخوانده باشد، یعنی ارزش انسان‌ها و جایگاه اجتماعی و خانوادگی‌شان را میزان مطالعه و سطح دانش‌شان تعیین نمی‌کند و این

بزرگترین عیبی است که وجود دارد و بدترین لطمه را به کتابخوانی وارد می‌کند.

با این وضع آیا ارشاد و ناشران نقش‌شان بسیار حساس‌تر نیست؟ آیا نباید برای افزایش سطح کتابخوانی در واقع «طرحی نو در اندازند»؟

○ اصلاً اینطور نیست. به نظر من بیش از آن که ارشاد و ناشران نقشی داشته باشند، شما باید برگردید به جاهایی که نقش اصلی را می‌توانند ایفا کنند.

مثلاً؟

○ مثل وزارت علوم، مثل وزارت آموزش و پرورش و نهادهایی که کودکان را از ابتدای ورود به محیط تحصیلی با کتاب بتواند آشنا کنند و به آنها طی درازمدت بقبولانند که کتاب خواندن باعث ترقی انسان می‌شود و در وضع جایگاه اجتماعی آینده فرد و دست یافتن به مزلت بالاتر تأثیری عمیق دارد. در کنار این‌ها نباید از نقشی که صدا و سیما می‌تواند در این زمینه داشته باشد به راحتی گذشت. بدون تردید نقش صدا و سیما در این مورد مهم‌ترین نقش است، به دلیل این که رسانه‌ای است که در همه جا هست و در تمام خانه‌ها راه دارد. شما هر جا که بروید رادیو و تلویزیون‌شان روشن است و به خانه‌ها راه پیدا کرده است، اما کتاب در خانه‌ها هنوز آنطور که باید راه پیدا نکرده است. در اینجا باید از نشریاتی که تیراژ بالا دارند نیز یاد کنیم که طبعاً می‌توانند نقش مهمی در کنار سایر مؤلفه‌های یاد شده برعهده گیرند. نتیجتاً نقش وزارت ارشاد و ناشران برای افزایش سطح کتابخوانی نقش حداقلی است چرا که کمترین امکانات را در اختیار دارند و برای همان کاری هم که می‌کنند تازه باید به دیگران متکی باشند.

ظاهراً می‌توان از صحبت‌های شما نتیجه گرفت که هیچ مشکلی با ارشاد ندارید؟

○ بله، هیچ مشکلی ندارم.

یعنی هیچ خواسته‌ای هم از ارشاد ندارید؟

○ حُب، اگر یک مقداری در دامنه حمایت‌هایی که می‌شود به کیفیت بیشتر



توجه شود، صددرصد هم به نفع فرهنگ کشور و هم ناشران است. راجع به این مسأله ما قبلاً در ارشاد صحبت کردیم و طرح‌هایی هم دادیم که در حال انجام هستند. به نظر ما اصولاً حمایت باید متوجه کتاب‌هایی بشود که دارای ارزش فرهنگی و بار فرهنگی است و تولید ملی محسوب می‌شود.

بد نیست که بحث را اندکی تغییر دهیم. به نظر شما لایحه معافیت ناشران از مالیات چه تأثیری بر روند کار ناشران خواهد گذاشت؟

○ بسیار می‌تواند تأثیر گذار باشد. متأسفانه بر این لایحه در سال‌های اخیر خیلی کم لطفی شده و حتی شاید این گله را از مجلس ششم باید بکنم که نسبت به این لایحه کم‌لطفی کرده است.

این لایحه‌ای است که سالهاست به دنبال آن هستیم و در روزهای پایانی مجلس پنجم شور اولش به تصویب رسید. متأسفانه با وجود اینکه ماه‌ها از آن زمان گذشته، اما همچنان اندرخم یک کوچه است و به نتیجه‌ای هم نرسیده است. البته قانون کلی مالیات‌ها هم در مجلس مورد رسیدگی قرار گرفته است و ما امیدوار هستیم که هرچه سریع‌تر معافیت ناشران به تصویب برسد و ناشران را به عنوان تنها واحدهای فرهنگی تولیدکننده و خادم فرهنگ مکتوب کشور مورد حمایت قرار بدهند، چرا که یکی از مشکلات بسیار پیچیده و از معضلات لاینحل ناشران، مسأله مالیات و درگیری آنها با وزارت دارایی است.

می‌خواستم نظرتان را راجع به قانون نشر کتاب هم بدانم، در این مورد صحبت خاصی ندارید؟

○ چرا، من صددرصد با قانون نشر کتاب مخالفم و بارها هم در همه جا نوشتیم، مقاله‌هایی چاپ نمودم و در نشست‌هایی که بوده صحبت‌هایی هم کرده‌ام. قانون نشری که پیشنهاد شده در حقیقت به نوعی شانه خالی کردن وزارت ارشاد از زیر بار مسؤولیتی

است که الان برعهده دارد. به اعتقاد من این قانون، برعهده ناشر گذاشتن مسؤولیتی است که در قبال آن هیچ‌گونه اختیاری ندارد و هیچ‌گونه حمایتی هم از آن نمی‌شود. آن چیزی که تدوین شده، اگر روزی روزگاری - امیدوارم که هیچ وقت این روز پیش نیاید - به صورت «قانون» تدوین شده و تصویب بشود و برای اجرا ارایه گردد، مسلم بدانید که وضعیت نشر کشور واقعاً در آن روز متفاوت خواهد بود و هر روز باید منتظر افولش باشیم.

چرا؟

○ چون در این قانون هیچ نوع پوشش حمایتی به ناشر داده نشده است. آن چه که در قانون مطرح است در حقیقت، به ناشر می‌گوید: «تو برو کتاب را خودت در بیابور یا مسؤولیت خودت». متأسفانه همه ناشران ما

میزان کتابخوانی حتی در سطحی که بتوان تحملش کرد هم نیست، چه برسد به اینکه مقبول یا مطلوب باشد

از توانایی‌های بالایی برخوردار نیستند، در نتیجه به زبان ساده می‌توانیم بگوییم اگر الان یک نفر در وزارت ارشاد نشست و به نوعی ممیزی کتاب را برعهده دارد، با انجام این کار ما حداقل پنج هزار ناشر خواهیم داشت که خودشان خودسانسوری را پیشه می‌کنند و اگر کمی جلوتر برویم و به این هم توجه کنیم که پیشنهاد عده‌ای این است که مسؤولیت ناشر و مؤلف، مثل مطبوعات، باید مشترک باشد، در اینصورت باید بگوییم به تعداد نویسندگان و مترجمان و ناشران این کشور، سانسورچی درست می‌کنیم، علاوه بر اینکه هیچ نوع حمایتی هم از آنها نخواهد شد. قانون نشر، حمایت‌های حقوقی که وجود دارد و وضعیتی که الان در دادگاه‌های ما برقرار است، هیچ کدام نمی‌تواند ناشر را پوشش دهد و ناشر با سرمایه‌ای کمی که دارد

مهمترین عامل پایین بودن سطح کتابخوانی نداشتن انگیزه است نه قیمت کتاب، چرا که قیمت کتاب از بسیاری از مایحتاجی که مردم تهیه می کنند، به مراتب ارزان تر است

و فقط از قسمت جلوی استفاده کند. اینها معضلاتی است که ناشران با آن روبرو هستند. حداقل انتظار ما از اتحادیه این بود که به این چیزها بیشتر توجه کند و پیگیری کند که چه فضایی به ناشرانی خاص دادند که شاید به اندازه یک دهم نسبت به ناشران دیگر کتاب ارایه نداده اند.

فکر می کنید چرا اینطور شده است؟

○ نمی دانم، ظاهراً صحبت این بوده که در برگه ای که اینها پر کرده اند، اعلام کردند که ما ۳۰۰ عنوان کتاب داریم و براساس ۳۰۰ عنوان به آنها غرفه دادند، ولی خوب مسؤولیت با اتحادیه و کسانی است که وقتی دیدند یک ناشر به جای ۳۵۰ عنوان کتاب فقط ۵۰ عنوان آورده و ناشر دیگر به جای ۱۰۰ عنوان ۲۰ عنوان آورده است. می بایست، همان موقع متر از غرفه اش را تعدیل می کردند و به غرفه های کناری اش می دادند. یا وقتی می بینند یک سازمان دولتی تعداد کتابی که عرضه کرده است چندان تناسب با غرفه ندارد، حداقل قسمتی را که عمق ۴ متر دارد به آن سازمان بدهند. تمام استدلالشان این است که ما آمدم الفبا را رعایت کنیم، در حالی که احتیاج نیست الفبا رعایت شود. ما به مراتب ترجیح می دهیم که غرفه هایی با عمق سه متر در اختیار داشته باشیم تا اینکه الفبایی باشد.

پایان سخن، اگر مطلبی دارید بفرمایید.

نکته ای که در پایان باید عرض کنم مربوط می شود به کارت مسؤولان غرفه ها، تعدادی از کارت های مسؤولان غرفه را به موقع گرفتیم، اما بعضی را اصلاً نگرفتیم. جانشین من در غرفه دیگر تا امروز که آخرین روز نمایشگاه است، کارت نگرفته است. با وجود اینکه سه بار هم عکس را تحویل دادیم، اما باز هم می گویند گم شده است، به هر ترتیب خیلی مشکل داریم و متأسفانه هنوز کم نشده است.

راحت به هر سمتی بیاید. یا دقت کنید اسامی ناشران که روی کتیبه های بالای غرفه نوشته شده، بقدری ریز است که تا وقتی جلو نروید نمی توانید آنها را بخوانید. یا اگر نگاه کنید می بینید غرفه ای که دارای دو طرف است در یک طرف آن اسامی ناشران نوشته شده و در طرف دیگر آن نوشته نشده است. غرفه ای که دارای سه طرف است، در یک طرف آن اسم نوشته شده و در دو طرف دیگر نوشته نشده است. همچنین نور این سالن ها به هیچ وجه برای محوطه نمایشگاه کفایت نمی کند، با وجود اینکه بارها هم گفته شده، باز هیچ توجهی به آن نمی شود. مسایل ما خیلی زیاد است و یکی دو مورد نیست. هیچ کدام از این مسایل حل نشده و حتی توجه بیشتری نسبت به سال گذشته نشده است. به اضافه اینکه امسال به دلایل پیش بینی نشده میزان تحویلی به ناشران به مراتب کمتر از میزان درخواستی آنها بود.

درخواست ما حدود ۴۰ درصد کم شده و این امر برای ما معضلاتی را به وجود آورد. قرار بود مترها لاقبل به تناسب عنوانی که ناشران ارایه دادند باشد. شما اگر دوروبرتان را نگاه کنید، در طرف دیگر «در» ورودی یک اطلاع رسانی می بینید که دو نفر آنجا نشسته اند و سه نفر مسؤول حراست و نگهبان سالن نیز در کنارشان هستند، ضمن آن که یک تابلوی بزرگ بانک رفاه هم در کنارشان است. و خوب بالطبع هرکس که وارد می شود، کمتر نظرش به اینطرف جلب می شود. خواه ناخواه با این وضع ما هیچ نوع بازدیدکننده گذری نمی توانیم داشته باشیم. بازدیدکنندگان ما کسانی هستند که به طور اخص به این غرفه می آیند و همان مشتریان قبلی ما هستند. به غرفه هایی خاص عمق سه متر دادند، در حالی که عمقی که به ناشران خصوصی در این قسمت داده شده، همه ۴ متر است.

غرفه کناری ما مثل یک دالان دراز است، به همین خاطر مجبور شده که نصف آن را پرده بزنند و قسمت پشت آن را انبار کند

تعداد محدود کتاب هایی که منتشر می کند و خواننده کمی که در اختیارش هست، واقعاً اگر با یک مشکل حقوقی هم روبرو شود، باید کار را برای همیشه ببوسد و کنار بگذارد.

برگردیم به نمایشگاه، بیشترین تقاضا برای خرید کتاب های شما مربوط به چه کتابی است؟

○ نمی شود گفت بیشترین تقاضا مربوط به چه کتاب هایی می شود. در نمایشگاه امسال ما بیشترین فروش مان روی کتاب خاصی بود. یکی از این کتاب ها، کتاب برگزیده کتابخانه مونیخ برای کودکان و نوجوانان بود و چون در سال ۲۰۰۱ به عنوان کتاب برگزیده معرفی شده بود و طبعاً خیرش هم در روزنامه ها درج شده بود، تقریباً هر کسی که به غرفه ما مراجعه کرد، یک نسخه از این کتاب را هم خرید.

اگر اشتباه نکنم، منظورتان کتاب «گره سفید پشمالو» است، اینطور نیست؟

○ بله، همانطور که گفتید کتاب «گره سفید پشمالو» است که آقای «منوچهر کی مراد» آن را نوشته و خانم شیرین قزلباش تصویرگری کرده اند. از افتخارات ما این است که کتاب برگزیده کتابخانه مونیخ، در حقیقت ایرانی است و بسیار از آن استقبال شد.

خانم خلعت بری بخش هایی از امور اجرایی نمایشگاه امسال همانطور که مستحضرید به اتحادیه ناشران و کتابفروشان واگذار شد. آیا اتخاذ این تصمیم در روند فعالیت نمایشگاه تأثیری داشت؟

○ راستش را بخواهید ما تفاوت چندانی را مشاهده نکردیم. مشکلاتی که ما همیشه با آن روبرو بودیم همچنان وجود دارد، مثل مشکل «محل» غرفه ها که هرچند اندکی تعدیل شده، ولی همچنان وجود دارد. شما الان در غرفه ای ایستاده اید که به من واگذار شده است، البته بعد از اینکه ۴۰ درصد از متر از درخواستی که حداقل مورد نیازم بوده کم شد. محل غرفه را می بینید که بسیار خلوت است، چون تغییراتی که در این غرفه ها و سالن ها داده شده است، طوری نیست که مشتری



نقش وزارت ارشاد و ناشران برای افزایش سطح کتابخوانی نقش حداقلی است؛ مهمترین نقش برعهده وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، نشریات و بخصوص صدا و سیماست